

مداخلات طبقه قدرت و تاثیر آن بر ساختار شهر اصفهان در دوره شاه عباس صفوی

سمر حقیقی بروجنی*

سیدعباس یزدانفر**، مصطفی بهزادفر***

چکیده

تحلیل تاریخی شهرها مبین تأثیر قدرت طبقه حاکمه بر ساختار آنها است. اصفهان، پایتخت صفویه نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تصمیمات و مداخلات سیاسی شاه عباس صفوی ساختار شهر (Urban Morphology) اصفهان را تحت تأثیر قرار داده است؟ پژوهش حاضر تحقیقی تاریخی است، به روش توصیفی - تحلیلی که با استفاده از منابع مکتوب دسته اول و دوم صورت گرفته است. بر این اساس سعی شده، شیوه‌های مداخله حاکمیت قدرت سیاسی بر ساختار شهر اصفهان، از این منظر تحلیل و مشخص شوند. به نظر می‌رسد می‌توان این گونه از مداخلات را در پنج گروه اصلی طبقه‌بندی نمود: مداخلات تولیدکننده، مداخلات مهارکننده طرح، مداخله از طریق نظارت و سرپرستی مستقیم، از طریق توسعه فضاهای جمعی و از طریق احداث ابنیه عام‌المنفعه.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، شاه عباس، ساختار شهر، قدرت سیاسی، شیوه‌های مداخله.

* دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

haghighi_samar@iust.ac.ir

** دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت (نویسنده مسئول)

yazdanfar@iust.ac.ir

*** استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

behzadfar@iust.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳۱

۱. مقدمه

بررسی و تفسیر علمی ساختار و شکل شهرها قدمت و غنای تاریخی بسیار دارد. هریک از پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه از منظری متفاوت به آن نگرستانند. در این میان گروهی از پژوهشگران، شهر را از منظر ساختارهای قدرت مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها معتقدند که شهر به عنوان محیطی مصنوع می‌تواند به ابزاری برای دستیابی، تحکیم و یا تاکید بر هژمونی سیاسی و اجتماعی گروه قدرت، بدل گردد (Giddens, 1977; Tuan, 1977; e.g. Duncan, 1989; King 1976; Gakenheimer, 1964; Vale, 1992; Dovey, 2001).

در کتاب مکتب اصفهان نیز از مفهوم شهر-قدرت در توصیف شهرهای صفوی استفاده شده و به این موضوع اشاره می‌شود که شهرهای این دوران تحت تأثیر قدرت این خاندان شکل گرفته و رشد پیدا کرده‌اند (حبیبی و اهری، ۱۳۹۱: ۴۷). همچنین گفته شده است که شکل‌گیری دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی- عقیدتی در عصر صفوی، سبب گشته تا این دولت به شهر چون نماد، تجسم و تجسد کالبدی- فضایی مفاهیم عقیدتی- سیاسی، فرهنگی و اقتصادی- اجتماعی، بنگرد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۹۴). همچنین هیدیوالچر (Heidi Walcher) به ساختار چهارباغ‌گونه بخش صفوی شهر اصفهان اشاره کرده^۱ و این موضوع را مطرح می‌کند که اگرچه برخی از پژوهشگران، این طرح را از منظر مفاهیم اعتقادی شیعه تحلیل می‌کنند اما می‌توان آن را بخشی از اندیشه سیاسی شاه عباس نیز دانست (1998: 331). از این رو به نظر می‌رسد که گرچه به موضوع تأثیر اندیشه‌های سیاسی صفویه بر شهرهای آن عصر اشاره شده اما طرح این مساله که سیاست این خاندان چگونه ساختار این شهرها را تحت تأثیر قرار داده‌اند همچنان مغفول باقی مانده است. لذا مقاله حاضر سعی دارد شیوه‌های تأثیر سیاست‌های شاه عباس بر ساختار و عملکرد بافت مصنوع شهر اصفهان را به عنوان نمونه مورد بررسی قرار دهد.

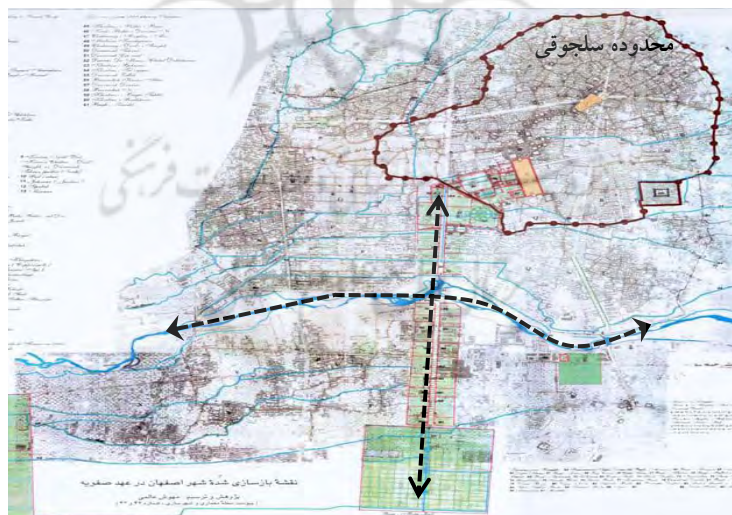
این شیوه‌ها ابتدا شرح داده می‌شوند و سپس با ارائه نمونه‌هایی مشابه از همین شیوه‌های مداخله، غنا می‌یابند. آنگاه سعی شده تا با استفاده از مدارک و شواهد تاریخی، آن دسته از دستورات، فرامین و خواسته‌های شاه عباس که به طور اساسی ساختار شهر اصفهان را متحول ساخته است، مورد بررسی قرار گیرند. در انتها به نظر می‌رسد که اگرچه فاکتورهای بسیاری مانند اعتقادات مذهبی، تحولات اجتماعی، مالکیت اراضی و ... می‌توانند ساختار و عملکرد بافت مصنوع یک شهر را تحت تأثیر قرار دهند اما در

مورد اصفهان نمی‌توان اثر بازنمایی قدرت سیاسی صفوی را به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار انکار کرد.

۲. روش تحقیق

مقاله حاضر با اتخاذ رویکرد تاریخی-تفسیری سعی دارد تا با انجام مطالعات کتابخانه‌ای در حوزه نقش اندیشه‌های سیاسی طبقه قدرت در ساختار شهرها، این حوزه نسبتاً جدید در مباحث شهری را مورد بررسی و تدقیق قرار دهد. از خلال این مطالعات دسته‌ای از شیوه‌های مداخله قدرت استخراج گشته‌اند که علاوه بر تاثیرگذاری بر شهر اصفهان، در طول تاریخ توسط دولت‌ها و حکومت‌های دیگر نیز با اهداف مشابه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از این رو در این مقاله سعی شده تا با اتکاء به تفسیر و تحلیل متون، از تاریخ شهرسازی ایران و سایر کشورها، با استفاده از روش توصیفی-تفسیری شکل‌گیرِ ساختارهای جدید در اصفهان عصر شاه عباس‌تحت تاثیر مبانی قدرت‌حاکم مورد بررسی قرار گیرد.

۳. بستر تاریخی



شکل ۱: نقشه بازسازی شده شهر اصفهان در عهد صفویه توسط مهوش عالمی (www.iranboom.ir)

شاه عباس صفوی تحت شرایطی بر تخت نشست که توقع حکومتی بلندمدت برای وی بسیار بعید می‌نمود. در صحنه داخلی طی دوازده سال که از مرگ شاه طهماسبی گذشت، قدرت پادشاه به نحو چشمگیری کاهش یافته و اختلافات گسترده‌ای در داخل به وجود آمده بود (اسکندر بیگ، ۱۳۷۸: ۱۱۰۰). از نظر سیاست خارجی نیز تقریباً تماماً ایالات غربی و شمال‌غربی بی‌شمار عثمانی‌اندرا آمده بود و در شرق هم‌نیمیا و لاریخترا ساکنان مورد تاخت و تاز از بکان بود (همان). گفتگو از مباحث عقیدتی دولت صفوی، از بحث این مقاله خارج است و لیمهم، تلاش برای به تصویر کشیدن مفهوم مشروعیت و اقتداری است که بنا بر دلایل گفته شده در زمان شاه عباس توسعه یافت. مشروعیت صفوی‌ها همان درک و شناخت عامه از حق عضو خاندان صفوی در به کارگیری اقتدار سیاسی، تا حد زیادی بر پایه ارتباطات عمومی مؤثر استوار بود (مکچسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). ارتباطات عمومی مؤثر به این معنا بود که حکومت پادشاهی‌هاست تعهدات خود در قبال احترام به آداب و سنن ایران باستان و آداب شیعی در زندگی مردم و شاه را دائماً تصدیق و اثبات می‌نمود (همان).

شاه عباس پس از تسلط بر امور، بنا بر دلایل متعدد، اصفهان را به عنوان پایتخت انتخاب نمود^۲ و در تمام سالهای حکومت تلاش خود را برای عظمت و شکوه آن به کار بست (شکل یک). در مورد فعالیت‌های عمرانی شاه و تلاش قابل تأملش برای عظمت اصفهان اسکندر بیگ نوشته: "مجموع اعمار همت والای شاهی ظل الله یچند سال بترتیب و تزئین خطه فرح‌افزای اصفهان پرداختند و آن بلده طیبه را از کثرت عمارات و باغات و منازل مرغ و بدلگشا و رواقها و منظره‌های بهجت‌افزا و قیصریه و چهار بازار و مساجد و حمامات و خانان عالی مصر جامع ساخته و الیوم خلد برین داغ بندگیش بر جبین دارد." (۱۳۷۸: ۵۴۵) همچنین دل‌واله نیز به این موضوع اشاره داشته که "شاه تا حد امکان حوالی مرزها را از سکنه خالی کرده و آن‌ها را به مرکز انتقال داده... تا ابقاء آنان در مملکت تضمین گردد و در عین حال شهر اصفهان بزرگتر و ثروتمندتر و زیباتر گردد... و با برپایی ساختمان‌ها و مخارجی که در آن می‌کند تمام سعی خود را در راه عظمت آن گذاشته است... هم اکنون به اندازه‌ای ساختمان‌ها زیاد شده و برای کسانی که می‌خواهند خانه سازی کنند آنقدر تسهیلات... فراهم می‌شود که می‌توان انتظار داشت به زودی... اصفهان و حومه آن از قسطنطنیه و حتی روم بزرگتر شود." (۱۳۷۰: ۳۶) همچنین در روزنامه ملاجلال در توضیح انتقال آب کوه‌رنگ به اصفهان آمده: "همگی همت والانهمت نواب کلب آستان علی به آبادانی اصفهان متعلق بود... (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴)

به نظر می‌رسد حجم عظیم ساخت و سازها و پدیده مهم شهرسازی رابه خصوص در مورد اصفهان، می‌تواند چهارچوب موقعیت سیاسی حکومت شاه عباس که ستون‌های مشروعیت و در نتیجه اقتدار صفوی هم‌تزلزل شده بودند، بررسی نمود. به این جهت در ادامه، شیوه‌های مداخله شاه عباس به عنوان نماد طبقه قدرت در شکل شهر اصفهان و اهدافی که در پی آن جستجو می‌کرده مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. تأثیر طبقه قدرت بر ساختار شهر

در این بخش سعی شده تا گونه‌بندی‌ای از شیوه‌های تأثیرگذاری طبقه قدرت بر تغییرات ساختاری و عملکردی شهر اصفهان در عهد شاه عباس ارائه گردد. در این مداخلات طبقه حاکمه می‌کوشد تا با استفاده از قدرت، ثروت و موقعیت خود، بر تغییرات عمده‌ای که در شهر صورت می‌گیرد، اثرگذار باشد و از آنها در جهت نیل به اهداف سیاسی خود بهره جوید. همچنین سعی شده تا با ارائه سایر نمونه‌ها به فهم بهتر این طبقه بندی کمک و بر این موضوع تأکید گردد که استفاده از شهرها به عنوان بستر زندگی اجتماعی مردم با نگاه ابزاری و سودجویانه توسط طبقه قدرت سابقه طولانی دارد.

۱.۴ مداخلات تولیدکننده

این شکل از مداخله زمانی اتفاق می‌افتد که حکومت دستور انتخاب، برنامه ریزی، طراحی و ساخت یک پایتخت جدید یا پروژه‌های عظیمی که به کل چهره شهری را تغییر می‌دهند را صادر می‌کند. منظور از پروژه‌های عظیم، پروژه‌هایی چون حصارها و دیوارهای اطراف یک شهر، خیابان‌کشی‌های عظیم، مراکز مذهبی و نمونه‌هایی مانند این است. به طور مثال ناپلئون اول مایل بود پایتختش زیباترین شهر ممکن باشد (موریس، ۱۳۸۹: ۲۱۶). وی با این امید بازسازی پاریس را آغاز کرد؛ اما ناپلئون سوم با همکاری هوسمان^۳ (Baron Haussmann) و با ایجاد پروژه‌های عظیم شهری در قرن ۱۹ میلادی (۱۲ ه.ش.) که همگیدر راستای حفظ و تقویت نظام حاکم شکل گرفته بودند، ساختار پاریس را به شدت تحت تأثیر قرار دادند (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۴۷-۵۳).

در اصفهان عصر صفوی نیز همانطور که اشاره شد پس از پایتختی این شهر، شاهد تعریف و ساخت تعداد بسیاری از پروژه‌های عظیم شهری هستیم. این پروژه‌ها و ساخت

و سازه‌های عظیم و پرشتاب زمینهایجاد نوشهری در کنار شهر پیشین را فراهم می‌آورد. به طوری که جنابادی پس از توضیح ساخت و سازه‌های انجام شده در اصفهان توسط شاه عباس می‌نویسد: "الحال اصفهان سابق را شهر کهنه می‌نامند و این مواضع و منازل را شهر نو." (۱۳۷۸: ۷۶۲) در مورد اشتیاق شاه عباس به افزایش شکوه و زیبایی پایتخت می‌توان به این توضیح فیگوئرا اشاره کرد که: "در بخش‌هایی از این دو مهاجرنشین (شهرک تبریزیان و شهرک ارامنه) ... خانه‌های بسیار بزرگ وجود دارند که ... آنها را سکنه ثروتمند شهر و سلطان‌ها یا وزرا و یا دیگر نوکران شاه با مخارج گزاف، برای خوش‌خدمتی و در حقیقت خشنودی وی (شاه عباس) ساخته‌اند و به واقع هم اینجا از بهترین امکنه و زیباترین مناطق دنیاست." (۱۳۶۳: ۱۲۶)

در حقیقت شاه عباس سعی کرد تا با استفاده از زیبایی، رونق و آبادانی پایتخت جدید خود، تصویری متفاوت از اقتدار حکومت مرکزی در ایران ارائه دهد. این تلاش را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. اول آنکه اگر چه مشروعیت معطوف به مقوله‌ای ارزشی و هنجاری و کارآمدی معطوف به مقوله‌ای ابزاری است، ولی اگر جامعه‌ای، نسبت به کارایی حکومت در سطوح مختلف احساس رضایت نماید بحران مشروعیت بوجود نخواهد آمد (رازی، ۱۳۷۴: ۱۸). در چنین شرایطی نمایش کارایی از طریق تلاش برای آبادان جلوه دادن شهرها، به خصوص پایتخت، می‌تواند در چارچوب افزایش مشروعیت و در نتیجه اقتدار حکومت مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. به طور مثال جنابادی در وصف فعالیت‌های عمرانی شاه عباس می‌نویسد: "سبحان مالک الملکی... نیک‌رای پادشاهی (شاه عباس) برانگیزاند و دست اقتدارش قوی گرداند تا به وسیله آثار معتدلش جهانیان در مه‌اد امن و امان آسوده غنوده و به ذریعه رای گیتی آرای... مواضع و مسالک از تجدد اوضاع مطبوع و احداث بساطینزه و بناهای مرفوع مرغوب ارم ذات العماد، الّتی لم یُخلَقْ مثله‌ا فی البلاد مزین گردد." (۱۳۷۸: ۷۵۸)

همچنین چنین تلاشی را می‌توان در قالب علاقه شاه به ارتباط با سایر دول نیز دنبال کرد. دل‌واله می‌نویسد: "شاه بسیار مشتاق است ... تا حد امکان با تعداد بیشتری از دول غرب رابطه برقرار سازد و با آنها به تجارت پردازد و به سکونت در خاک ایران تشویقشان کند." (۱۳۷۰: ۱۱۷) در این شرایط پایتختی باشکوه و آبادان می‌تواند نمایش مناسبی از اقتدار حکومت مرکزی در صحنه بین‌الملل ارائه دهد. همانطور که ابن‌خلدون معتقد است

"شهرهای بزرگ و بناهای بلند و باشکوه را پادشاهان بزرگ بنیان می‌نهند." (۱۳۷۵، ج ۲: ۶۷۸).

۲.۴ مداخلات مستقیم در طراحی شهر

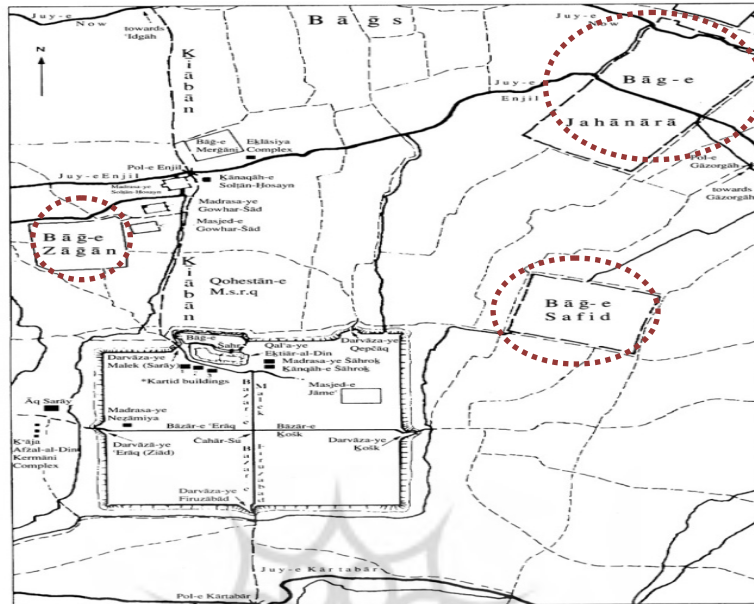


شکل ۲: مسجد لاله علی (Laleli) ۱۷۶۰-۱۷۶۴ م.
به سبک باروک عثمانی (www.en.wikipedia.org)

این شکل از مداخله‌در دو حالت‌صورت می‌گیرد. اول این که طبقه حاکمه یک یا چند مدل از شهرسازی و یا شکل شهرهای ساخته شده پیشین را به عنوان الگو برای توسعه شهر، ارائه می‌دهد. در حالت دوم، حاکم‌حمایت و پشتیبانی خود را به کار می‌بندد تا فلسفه و یا ایده آلی را در شکل شهر جامه عمل بپوشاند. به طور مثال در قرن ۱۸ میلادی (۱۱ ه.ش) اولین سفیر ترکیه، محمت‌چلبی (Mehmet Celebi)، پس از بازگشت از پاریس، در گزارش مکتوب خود به توضیح دقیق برخی از ابنیه‌شهری پاریس پرداخت (Celik, 1986: 29). وی با توصیف مبالغه‌آمیز این ساختمان‌ها، خاندان سلطنتی عثمانی را به این فکر واداشت تا با استفاده از هنرمندان خارجی مجموعه‌ای از بناهای شهری از جمله قصرها و باغ‌هایی با سبک و سیاق اروپایی بسازند. این بناها چهره شهر استانبول را به کلی دگرگون ساخته و سبک جدیدی تحت عنوان باروک عثمانی را پایه گذاشت (شکل دو) (Ibid.).

برای حالت دوم از این مداخلات می توان به کشور چین اشاره کرد. پس از به حکومت رسیدن سلسله سوی پس از پنج قرن عدم ثبات سیاسی اسباب اتحاد مجدد چین فراهم شد. این حکومت شهر جدید چانگ آن را در فاصله کمی از چانگ آن قدیم که پایتخت سلسله هان^۵، امپراطوری پیشین چین، بود، احداث کرد. این پایتخت جدید در نزدیکی چانگ آن قدیم و ملهم از مربع بودن طرح اولیه شهر قدیم، تجلی وحدت مجدد چین بود (موریس، ۱۳۸۹: ۳۸۸).

در مورد اصفهان نیز می توان چنین فرضیه ای را دنبال کرد. اصفهان در این عصر با باغ هایش معنا می گیرد به طوری که این باغ ها و اهداف اجتماعی و عملکردیشان یکی از اجزای اصلی ساختار این شهر هستند. همین باغ ها در توصیف زیبایی های اصفهان موجب تشبیه آن به بهشت شده است. به نظر می رسد تعابیر بهشتی از اصفهان و باغ هایش تنها یک تبادر ذهنی نباشد بلکه شعرا و نویسندگان آن عصر آگاهانه برای توصیف زیبایی های این شهر و ستایش برتری آن به عنوان مرکز حکومت یک امپراطور یا اسلامی قدرتمند از واژه بهشت و واژگان مترادف با آن مانند خلد برین^۶ یا باغ ارم^۷ استفاده می کرده اند. تاکید بر تجلی بهشت برین که در قرآن توصیف شده است، در باغ های صفوی تا حدی مد نظر شاهان بود که آنها با انتخاب اسامی مناسب مانند هشت بهشت، باغ ارم و باغ جنت برای این باغ ها هرچه بیشتر به این رابطه اشاره می کردند. همانطور که مطرح شد، شاهان صفوی از این مفهوم استعاری برای برقراری پیوند دائم سرزمین تحت فرمان خود با مهمترین مفاهیم دینی مسلمانان استفاده می کردند تا از این طریق پایه های مشروعیت دینی خود را مستحکم سازند.

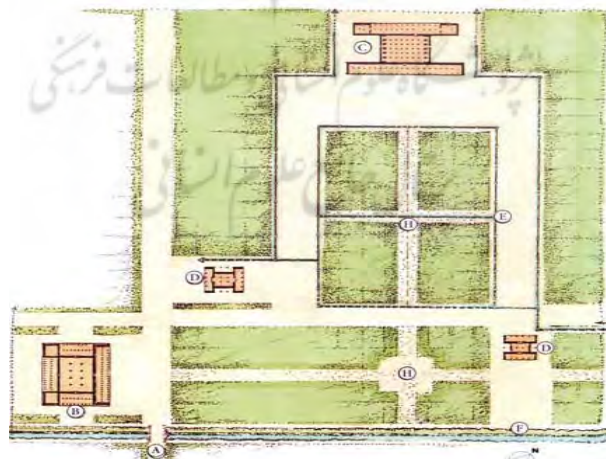


شکل ۳: نقشه شهر هرات در عصر تیموری. باغ‌هایی که در اطراف شهر جهت تثبیت قدرت و گسترش قلمرو ساخته شده‌اند. (بر اساس نقشه 1983 Allan).

از سویی دیگر رابطه تاریخی آشکاری بین احداث و توسعه باغ‌های بزرگ و گسترش قلمرو تحت فرمان پادشاهان، به ویژه در عهد تیموریان وجود دارد. به طوری که تیمور شاه^۸ پس از به تخت رسیدن، با ساخت باغ‌های متعدد در سمرقند و سپس در هرات نفوذ خود را بر این نواحی افزایش داد (تصویر ۳) (Walcher, 1998:339). همچنین ظهیرالدین محمد بابر^۹ موسس سلسله گورکانی در هند نیز به رسم اجدادش برای افزایش نظارت بر شهرهای به تصرف در آمده از باغ‌سازی استفاده نمود. به طور مثال اولین اقدام وی پس از فتح کابل احداث مجموعه باغی است، پلکانی که در خاطرات خود به آن اشاره کرده (Asher, 1991:48). علاوه بر رابطه تاسیس حکومت‌های جدید و احداث باغ‌های سلطنتی در زمان تیموریان، می‌توان نقش‌های کارکردی فراوان دیگری را برای باغ‌های تیموری برشمرد. این باغ‌ها در کنار نقش حیاتی‌شان به عنوان مبنای فتوحات و پیروزی‌های حکومت همچنین مکانی برای برگزاری مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی، ملاقات‌های سیاسی، اقامت شاه، تمرین‌های نظامی و غلبه نظامی و فرهنگی بر جامعه بوده‌است (Ibid.). به نظر می‌رسد چنین پیوند عمیقی میان باغ‌سازی و مفاهیم نظامی و سیاسی در طرح نوسازی اصفهان توسط شاه عباس نیز مورد توجه بوده. به طوری که برخی از محققین معتقد هستند که

شکل، ساختار و تا حدی عملکرد باغ‌های دوره تیموریان که به منظور برپایی اردوگاههای نظامی و مرکز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مورد بهره برداری قرار می‌گرفته‌اند به وضوح در باغ‌های صفوی به خصوص میدان نقش جهان و در طرح شهر اصفهان تکرار می‌شود (Wilber,1979:130).

همچنین بررسی دقیق نقشه شهر اصفهان نشان می‌دهد که در طرح توسعه آن، نوعی الگوی شناخته شده و مورد استفاده در باغ‌های محصور ایرانی با فرم مشخص چهار بخشی، قابل بررسی است (تصویر یک). طرح متظاهر و مونومتال این شهر مبین این مساله است که شکل‌گیری الگوی چهارباغ در نقشه آن نمی‌تواند تصادفی انگاشته شود. یکی از دلایل رد فرضیه تصادفی بودن این طرح‌دداشتهایی است که به این موضوع اشاره کرده‌اند. به طور مثال کمپفر در سفرنامه خود می‌نویسد: "خیابان سلطنتی چهارباغ نامش را از این واقعیت گرفته که با تقاطع عرضیش با رودخانه زاینده رود ناحیه را به چهار منطقه باغی تقسیم کرده است." (۱۳۶۰: ۱۷۲) اگر چه اشاره به طرح چهار بخشی اصفهان در برخی از پژوهش‌های معاصر مورد تاکید قرار گرفته است (Katuzian,1986Shirazi,1978); اما اغلب، استفاده از چنین طرحی را به تلاشی برای ارائه تصویری زمینی از بهشت توصیف شده در قرآن منتسب می‌دانند (Hghighatbin& et.al.,2012). علاوه بر این دیدگاه (طراحی شهر به شکل یک باغ بهشتی) می‌توان این موضوع را نیز مطرح ساخت که چهار باغ اصفهان تحت تأثیر رسوم پادشاهان پیشین، همچون کوروش شکل گرفته است.



شکل ۴: مجموعه پاسارگاد (www.glassy-garden.com)

از آنجایی که یکی از رسالت‌های صفویه از ابتدای ظهورش در ایران، خلق هویت ملی‌ای بود که بر اساس آن علاوه بر مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان، یکپارچگی این سرزمین را حفظ نماید، بازسازی این هویت ایرانی با استناد بر مذهب مشترک و قومیت مشترک مورد تاکید قرار گرفت. از این رو پادشاهان صفوی به خصوص شاه عباس بقا و استمرار آیین‌های پادشاهی ایران باستان را برای تاکید بر جانشینی آن پادشاهان در دستور کار خود قرار دادند. به طور مثال جشن‌هایی نظیر جشن عید نوروز، گلریزان (دلواله، ۱۳۸۰: ۵۲۱) و آب پاشان (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۹۲) که ریشه‌های باستانی دارند در عهد شاه عباس با شکوهی هرچه بیشتر برگزار می‌شده‌اند.

از این رو انتخاب چنین طرحی برای پایتخت می‌تواند نوعی تداوم آیین‌های پادشاهی ایران باستان نیز قلمداد شود. زیرا کوروش کبیر نیز طرح چهارباغ را برای احداث مقر حکومتی خود انتخاب کرده بود (شکل ۴)^۱. کمپفر به این موضوع اشاره می‌کند که اگرچه ممکن است شاه عباس در طرح اصفهان کاملاً از طرح چهارباغ کوروش تقلید نکرده باشد اما نسبت به آن آگاه بوده است. وی معتقد است تلاش آگاهانه شاه عباس برای اینکه خود را جانشین برحق و ستودنی کوروش، کسی که طراحی باغ، مراقبت از گیاهان و کاشت درختان را به عنوان شغلی شاهانه انتخاب کرده بوده است، نشان دهد، بر این موضوع که شخصاً نسبت به طراحی‌های اصفهان اهتمام ورزد تاثیر داشته است (۱۳۶۰: ۱۹۸).

همچنین می‌توان گفت ارائه طرحی چهاربخشی برای اصفهان و به تعبیری دیگر تقسیم شهر به چهار قسمت مجزا می‌تواند تحت تاثیر اهمیت مفهوم عدد چهار در فرهنگ ایرانی و اسلامی شکل گرفته باشد. به طور مثال چلیپا^۱ در ایران پیشینه‌ای به اندازه هزاره پنجم پیش از میلاد دارد و نشان‌های و هاینهفته در طبیعت و آسمان بوده است (قائم، ۱۳۸۸، ۳۵). آکرمن (Phyllis Ackerman) معتقد است که اولین طرح‌های چلیپایی نشانگر شروع ایده‌ایست که بر اساس آن جهان را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند که این ایده نه تنها نظام کیهان‌شناختی ایرانیان را شکل می‌داده بلکه بر مفاهیم اجتماعی آنها نیز تاثیر می‌گذاشته است (1977, vol2:852). بدین شکل، پادشاهی بر چهار گوشه دنیا می‌تواند مفهومی سمبلیک باشد که جاه طلبی‌های ارضی شاه عباس را در خود نهفته است. انتخاب اسامی چون "نقش جهان" و "نصف جهان" نیز می‌تواند گواه چشم انداز توسعه طلبانه و قدرت طلبانه شاه عباس بر طرح توسعه این شهر بوده باشد.

۳.۴ مداخله از طریق نظارت و سرپرستی مستقیم

در این شکل از مداخله، طبقه حاکمه از حداکثر قدرت خود برای نظارت بر طرح توسعه یک شهر بهره می‌جوید. شخص حاکم بر برنامه‌ریزی‌ها و پیشرفت‌ها نظارت دارد و همواره این مسئله را بررسی می‌کند که آیا این طرح توسعه و رشد در راستای هدف و کیفیت مورد نظر او هست یا نه. در این حالت حکومت نحوه دسترسی و چگونگی امکان استفاده مردم عادی از کلیه قسمت‌های شهر را برنامه‌ریزی و تعیین می‌کند. همچنین این که چه کسانی مالکیت بخش‌های مشخصی از شهر را به دست می‌آورند و چه چیزی به چه شکلی و در کجا ساخته می‌شود، نیز تحت نظارت مستقیم طبقه حاکمه تعیین می‌گردد.



شکل ۵: آدولف هیتلر و اسپیر (دومی از سمت چپ) در حال بررسی ماکتی از یک طرح شهری (www.theguardian.com)

در مورد هیتلر این ادعا وجود دارد که وی بر کلیه پروژه‌های شهری که در آلمان طراحی و اجرا می‌شد، نظارت دقیق داشت و تئوری‌های بسیاری در زمینه معماری و تأثیر آن بر شرایط روحی و روانی شهروندان ارائه داده است (شکل پنج) (Dovey, 2002:56). مثلاً می‌توان به اظهارات وی در مورد طرح محور شمالی-جنوبی برلین که به محل استقرار حکومت رایش منتهی می‌گشت اشاره کرد: "زمانی که یک نفر به دیدن صدر اعظم رایش می‌آید باید احساس کند رهبر جهان را ملاقات می‌کند. او پس از عبور از خیابانی پهن که شامل طاق نصرت، پانتئون (سالن گنبد دار) و میدان مردم است (عناصری که نفسش را حبس خواهد کرد)، به این محل خواهد رسید" (Hitler quoted in Dovey 2002:55).

شاه عباس نیز با بذل توجه به فرایند ساخت و ساز در اصفهان و استفاده از اهرمهای تشویقی مانند فراهم آوردن تسهیلات، اهداف خود را در طرح توسعه اصفهان دنبال می کرده است. به طور مثال در باب توجه ویژه شاه به عملیات عمرانی و مالکیت بخش های مشخصی از شهر در اصفهان می توان به این گفته اشاره کرد که: "زمستانرا... در دولتخانه مبارک نقش جهان گذرانیده... و ایام بهار عمارات عالی در نقش جهان نظر حانداختهمعمارانومهندسان در اتمام آن میکوشیدند." (اسکندر بیک، ۱۳۷۸: ۵۴۴) "چون خاطر خطیر همایون از عمارات اسواق و دکاکین بر نهج مسطور فراغت یافت... فرمان مطاعه صادر گردید که در دامن کوهی که به تخت رستم مشهور است... چهارباغی به مقدار هزار جریب احداث نمایند... پس از آن از عباس آباد ابتدا نموده خیابانی تا درب دولت طرح انداخته بر حسب امر جهانمطاع خوانین و امرا و... جمله از طرفین خیابان مقابل یکدیگر چهارباغات مرغوب... احداث فرمودند." (جنابادی، ۱۳۷۸: ۷۶۰-۷۶۱) همچنین کمپفر در توضیح باغات اطراف خیابان چهارباغ به این موضوع اشاره می کند که به نظر می رسد شاه عباس نه تنها موقعیت دارالسلطنه خود و محور توسعه شهر (چهارباغ) را شخصاً انتخاب کرده است بلکه در مورد اندازه و طراحی باغ های اطراف چهارباغ، هماهنگ با زمین های اطراف نیز تصمیم گیری می کرده است (۱۳۶۰: ۱۴۸).

در مورد استفاده شاه از ابزارهای حمایتی و تشویقی در جهت پیشبرد اهداف عمرانی خود نیز می توان به نمونه هایی از فراهم آوردن تسهیلات برای خانه سازی و آباد ساختن بخش های جدید شهر (دلواله، ۱۳۷۰: ۳۶) و استفاده از ابزار وقف به طور مثال در مورد مغازه های اطراف میدان نقش جهان^۲ (مکچسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) اشاره کرد. شاه عباس از این طریق می توانسته علاوه بر حصول اطمینان از اجرای دقیق طرح هایش در مورد ساختار کلی شهر، ساختمان ها را با برنامه های اجتماعی که مد نظر داشته هماهنگ سازد. از چیدمان مردم در محلات مناسب با شان اجتماعی شان (مانند محلات تبریزی ها، آرامنه و گبرها) تا تدارک فضاهای عام المنفعه و تاسیسات عمومی برای رونق بخشیدن به بخش های جدید التاسیس (مانند پل الله وردیخان و مهمانخانه های مخصوص دراویش در خیابان چهارباغ) همه می توانستند از منافع غیر مستقیم نظارتی دقیق باشند.

۴.۴ مداخله از طریق توسعه فضاهای جمعی

در این شکل از مداخله حکومت در جهت کسب اقتدار از طریق مشروع نشان دادن آرمان‌های خود، با هدف استفاده از حضور جمعی و مشروعیت‌بخش مردم در صحنه‌های اجتماعی، دست به توسعه قابل ملاحظه فضاهای جمعی می‌زند. دیوید آپتر (David Apter) معتقد است که سیاست در حقیقت نمایش دراماتیکی است که ضرورتاً در فضاهای عمومی بر روی صحنه خواهد رفت (2006: 221). از این رو فضاهای جمعی بسترهای مناسبی هستند که با مقدس نشان دادن عملی که در آنها به وقوع می‌پیوندد، به اقتدار دستگاه حاکمه کمک می‌کنند (ibid.).

برای فضاهای جمعی و آیین‌هایی که در آنها برگزار می‌شوند می‌توان کارکرد سیاسی دیگری را نیز مد نظر قرار داد. ملت و هویت ملی ساختارهای اجتماعی هستند که اغلب به شکل ذاتی وجود ندارند بلکه به دلیل مسایل سیاسی، فرهنگی و تاکتیک‌های بومی شکل می‌گیرند (Clifford, 1988: 12). نکته مهم در شکل دادن به یک ملت، ایجاد رابطه‌ای معنوی بین مردم و مکان است؛ رابطه‌ای خاموش ناشدنی بین افراد و سرزمینشان (Penrose, 1993: 29). معمولاً در شرایطی که پیوند بین اعضای جامعه و بین مردم و مکان‌ها، بسیار ضعیف و شکننده است و احتیاج به توجه و مراقبت دارد، هویت بخشی بیش از آنکه به شکل طبیعی، تدریجی و درونی صورت گیرد، به شکل دوره‌ای و با کمک نیروهای اجتماعی، شکل خواهد گرفت (Jackson and Penrose, 1993). به طور مثال شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن در اروپا نیاز به تقویت هویت ملی را ایجاد و در نتیجه اختراع سنت‌های جدید برای رفع این مشکل رواج پیدا کرد. سنت‌هایی مثل سرود ملی، پرچم ملی و نظایر این که بتوانند ارزش‌ها و مفاهیم جدیدی را برای ملت تعریف کنند (Hobsbawm, 1983: 1).

در شرایطی که یک ملت با هویتی تاریخی به دلایل متعدد با هویتی در معرض خطر مواجه است اختراع سنت‌ها، جشن‌ها و آیین‌ها لزومی ندارد بلکه تنها لازم است که سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی موجود در همان جوامع احیا گردند (Featherstone, 1993: 178). کرتزر (David I. Kertzer) می‌گوید که با مشترکاً گریستن، ادای کلمات یکسان و انجام رفتارهای مشابه برای هدفی یکسان در خلال برگزاری آیین‌ها افراد خود را در یک اتحاد وصف ناشدنی با یکدیگر احساس می‌کنند (1988: 62). بنابراین توسعه فضاهای جمعی و آیین‌هایی که در آنها برگزار می‌شوند می‌توانند از طریق ایجاد هویت ملی از یک سو و مشروعیت بخشیدن به ایدئولوژی حکومت از سویی دیگر، به یکی از برنامه‌های سیاسی

حکومت‌ها بدل گردد. نمونه‌ای از چنین فضاها در طول تاریخ ساخته شده‌اند مانند آملی تاتر بزرگ آلبرت اسپیر (Albert Speer) در نورمبرگ، محل سخنرانی‌های هیتلر (Apter, 2006: 221). لذا هیتلر ارزش بسیاری برای معماری اجتماعی (Community Architecture) یا جمعی قائل بود و آن را بستری برای تلاش عمومی در جهت القای روح جمعی بر افراد می‌دانست (quoted in Dovey, 2002: 57).

نظر به شرایط بحرانی به تخت رسیدن شاه عباس و نیاز مبرم حکومت به همبستگی مردم و حفظ اتحاد، می‌توان به فضاهای جمعی اصفهان در آن دوران نیز به عنوان حوزه توسعه همبستگی مکانیکی که نه بر تمایزات، بلکه بر ایدئولوژی برخاسته از تشابهات بین اجزا (تشابهات دینی و ملی) استوار است، توجه نشان داد. بدین شکل تفاوت‌های طبقاتی و جنسیتی در پرتو تقویت نقاط تشابه در خلال مراسم‌های باشکوه ملی (جشن‌های حکومتی، باستانی و مذهبی) نادیده گرفته می‌شد و به یکی از راهکارهای خلق هویت جمعی و دستیابی به همبستگی اجتماعی در عصر صفویه بدل می‌گشت.

۵.۴ مداخله از طریق احداث ساختمان‌های عام‌المنفعه

مداخلاتی از این دست زمانی بروز می‌کند که طبقه حاکمه سعی دارد به واسطه ایجاد تغییراتی در شهر زمینه ستایش، مشروعیت و در نتیجه جاودانگی خود را فراهم سازد. در این شرایط او از قدرت برای ساخت مجموعه‌های عظیم و اغلب عام‌المنفعه، در مقیاس شهری استفاده می‌کند. پروژه‌هایی مانند پارک‌ها، میدانی شهری، ساختمان‌های دولتی و ... که اغلب در زمان حیات خود حاکم و یا پس از مرگ به نام او ثبت شده و با نامش به تاریخ می‌پیوندد. در حقیقت این اعمال با هدف نمایشی از بزرگی، شکوه و خیرخواهی و در نتیجه جلب ستایش مردم، سیاحان و یا تاریخ‌نویسان، اتفاق می‌افتد.

حمایت متعصبانه حکومت ممالیک مصر^{۱۳} از معماری را می‌توان از این منظر مورد توجه قرار داد. آن سلاطین اغلب به ساخت مجموعه‌های بزرگ ساختمانی اجتماعی و عام‌المنفعه که مشتمل بر مسجد، خانقاه، مدرسه، بیمارستان، مکتب‌خانه، سبیل، آبشخور حیوانات، کاروانسرا و ربابه‌بودند، مشغول می‌شدند (جونلا و مینک برگ، ۱۳۸۸، ۱۴۴-۱۵۵). این پروژه‌ها که همگی از طریق منابع وقفی نگهداری و مدیریت می‌شدند را می‌توان تامین‌کننده مشروعیت حکومت ممالیک دانست. شاهان مملوک با پیشینه غیر عرب، غیر مسلمان و برده از این طریق می‌توانستند نقش سمبلیک محافظان اسلام سنی و

طریقت صوفیان و حمایت کنندگان از مردم عادی را به خوبی ایفا کنند (Behrens-Abouseif, 2007, 116).

اما همانطور که گفته شد شاه عباس در شرایطی به سلطنت رسید که افزایش قدرت پادشاه و حکومت مرکزی به عنوان اصلی ترین هدف، در دستور کار دولت قرار گرفت. به دنبال اقدامات شاه عباس جایگاه پادشاه که تضعیف شده بود، به بالاترین مرحله خود رسید به طوری که شاردن در مورد شاهان صفوی می نویسد: "بی هیچ گمان در سراسر روی زمین پادشاهی به قدر سلطان ایران بر ملتش تسلط ندارد." (۱۳۳۶: ۱۱۵۱)

شاه عباس در تلاش برای احیای اقتدار کاریزماتیک شاه از یک سو بر مسائل مذهبی و نیابت امام زمان و از سوی دیگر فرّ پادشاهی تأکید داشته است. از این رو بررسی ساخت و سازهای عظیم و عمدتاً عمومی که در دوره شاه عباس به وقوع پیوستند می تواند در چهارچوب کلی چالش هایی که وی در آغاز حکومت خود با آنها مواجه بوده، صورت گیرد. می توان گفت، پروژه های شهری اصفهان در حقیقت برای شخص شاه تجسم مادی دو وجه قدرت بی رقیب شاهانه و عدالت، سخاوت، انصاف و درستی نایب امام زمان گشته اند. به طور مثال علاوه بر مساجد و کاروانسراهای متعدد که به رایگان به مسافران خدمات رسانی می کردند (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۰) می توان به باغ شاهپهزار جریب اشاره کرد که ورود به آن و استفاده از میوه های آن برای عموم آزاد بوده است (همان: ۴۱)، نیز اشاره کرد. به طوریکه دلواله از سخاوتمندی های شاه نسبت به مردمش نتیجه می گیرد: شاه عباس برای ملتش نه یک پادشاه خوب که یک پدر دلسوز است (همان: ۱۷۱).

۵. نتیجه گیری

در روند ساختار شهرها عوامل موثر بسیاری را می توان برشمرد. از عواملی مانند تغییرات فرهنگی، اجتماعی، تکنیکی و... گرفته که با شدت کمتری شهرها را تحت تأثیر قرار می دهند تا عواملی مانند تهاجم کشورهای دیگر، تغییر حکومت ها و... که با شدت و شتاب بیشتری اثر خود را نمایان می سازند.

جدول ۱. شیوه های مداخله سیاسی شاه عباس در توسعه شهر اصفهان در عهد صفوی

اهداف سیاسی	شیوه مداخله قدرت حاکمیت	ردیف
۱. تغییر چهره شهر همگام با تغییر حکومت ۲. ارائه تصویری از	مداخله به شکل تولید انبوه	۱

آبادانی، شکوه و امنیت اجتماعی	ساختارهای فیزیکی	
۱. هماهنگی با تفکرات ایدئولوژیک (ارائه تصویری از بهشت) ۲. تبعیت از الگوی پایتخت های تیموریان ۳. اشاره به پایتخت کورش کبیر و تداوم فره پادشاهی ۴. اشاره به مضامین سمبلیک تقسیم عالم به چهار بخش	مداخله به شکل تاثیر مستقیم بر طراحی شکل شهر	۲
۱. حصول اطمینان از اجرای ایده ها ۲. هدایت جریان پروژه های عام المنفعه مردمی	مداخله از طریق نظارت و سرپرستی	۳
۱. استفاده از حضور جمعی و مشروعیت بخش مردم ۲. تقویت اتحاد ملی در خلال برگزاری آیین ها	مداخله از طریق توسعه فضاهای جمعی	۴
فراهم آوردن زمینه ستایش، تمجید و جاودانگی و در نتیجه احیای اقتدار کاریزماتیک پادشاهان صفوی	مداخله به شکل احداث تاسیسات عام المنفعه	۵

اگرچه به نظر می رسد در مورد تغییرات ساختاری شهر اصفهان در عهد صفوی عوامل اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک دخیل هستند، اما نمی توان نقش اندیشه های سیاسی این خاندان را نیز در شیوه بروز این تغییرات نادیده گرفت. با توجه به آنچه گفته شد عامل قدرت را می توان یکی از اصلی ترین فاکتورهای تاثیرگذار بر ساختار شهر اصفهان در آن دوران دانست. اگرچه نقش تغییر مذهب را بر معماری و شهرسازی این دوران نمی توان انکار کرد اما با توجه به درهم تنیدگی اهداف سیاسی و مذهبی صفویانو با توجه به سیاسی بودن نقش مذهب در این دولت می توان این عامل را نیز زیر مجموعه اهداف قدرت مورد بررسی قرار داد. در نهایت شیوه های مداخله قدرت حاکمیت در شکل دهی به ساختار این شهر را می توان در جدول زیر خلاصه نمود.

پی نوشت ها

۱. از تقاطع خیابان چهارباغ و رودخانه زاینده رود طرحی چهاربخشی و به تعبیر والچر چهارباغ گونه شکل گرفته است.
۲. در سال ۱۰۰۰ هجری قمری
۳. ۱۸۵۰-۱۸۷۰ میلادی و ۱۲۲۸-۱۲۴۸ شمسی
۴. قرن ۶ میلادی (قرن ۱۱ ق.م)
۵. ۲۰۰ ق.م
۶. جمال الدین اصفهانی در توصیف این شهر:

۷۰ مداخلات طبقه قدرت و تأثیر آن بر ساختار شهر اصفهان در دوره شاه عباس صفوی

"دیدنی تو اصفهان را آن شهر خلد پیکر آن سدیره مقدس، آن عدن روح پرور
آن بارگاه ملت و آن تختگاه دولت آن روی هفت، عالم آن چشم هفت کشور"

(جمال الدین اصفهانی، ۱۳۹۱).

دیوان. به تصحیح سید حسن وحید دستگردی، ویراستار وحید سمنانی. تهران: سنایی.

۷. جنابادی می نویسد: "دارالسلطنه اصفهان از فرّ ذات قدسی سپهر چهارم، باغ ارم گردید"
(۱۳۵۸: ۷۵۹).

۸. قرن ۱۴ میلادی و ۸ ه.ق.

۹. قرن ۱۶ میلادی و ۱۰ ه.ق.

۱۰. اگرچه مطالعاتی وجود دارند که طرح چهاربخشی مجموعه پاسارگاد را زیر سوال می برند (حیدرنتاج و منصور، ۱۳۸۸، ۲۲-۲۵) اما در اینجا بیشتر تأکید بر روی انتخاب طرح باغ برای قلمرو حکومتی و پراختن به پدیده باغ سازی توسط شخص شاه می باشد و چهار قسمتی بودن طرح صرفاً مد نظر قرار نگرفته است.

۱۱. چلیپایعنصلیبیکهاضلاعاًنمساویاست.

۱۲. با این عمل، میدان جدید از لحاظ مالیرایمستأجراناًتجذیبیتیدا کرده. از دیدگاه قدیمی ترها یا اهل بازار، اجاره کردن محلی از متولی وقف و نه از یک مالک خصوصی، مزایای بالقوه‌ای به همراه داشت. یکی از اینمزایا مسأله تثبیت مالکیت اموال بود و دیگر این که معمولاً انتظارات و مطالبات برای بازگشت سریع و زیاد سرمایه به کار گرفته شده کاهش می‌یافت.

۱۳. قرن ۱۳-۱۶ میلادی یا قرن ۷ تا ۱۰ هجری قمری.

کتابنامه

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۴). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از آرمان تا واقعیت، تهران: آرمانشهر.

ترکمان، اسکندیبیک (۱۳۷۸). تاریخ عالم آرای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

جنابادی، میرزا بیگننا الحسنالْحسینی (۱۳۷۸). روضه‌الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جونلا، جولیا و ویکتوریا، مینک برگ (۱۳۸۸). معماری اسلامی، ت. اکرم قیطاسی، تهران: سوره مهر، ۱۵۸-۱۲۲.

حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.

- حبیبی، سید محسن و زهرا، اهری (۱۳۹۱)، مکتب اصفهان (زبان طراحی شهری در شهرهای کهن)، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰). سفرنامه، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران: علمی فرهنگی.
- رازی، حسین (۱۳۷۴). مشرووعیت، دین و ناسیونالیسم در خاورمیانه، ترجمه حسین حجاریان، در مجله فرهنگ توسعه، سال چهارم، ش ۱۸: ۱۵-۲۹.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵). سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئرا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قائم، گیسو (۱۳۸۸)، پیام چلیپا بر سفالینه های ایران، صغه، دوره ۱۹، شماره ۴۹: ۳۲-۴۹.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)، کارکرد هویت بخش مذهب شیعه در دوره صفویه، مطالعات ملی، دوره ۹، شماره ۳۶: ۴۵-۷۲.
- مکچسنی، رابرت د. (۱۳۸۶). وقف و سیاست ملی در دوره صفویه، ترجمه گیتی عمادزاده، وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷: ۱۰۲-۱۲۳.
- منجم یزدی، ملاجلالدین محمد (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، به کوشش سیف الله وحیدنیا، چاپ اول، تهران: انتشارات وحید.
- موریس، جیمز (۱۳۸۹). تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، چاپ هشتم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

- Ackerman, Phyllis (1977). "some problems of early iconography" in *A Survey of Persian Art From Prehistoric times to the present*, Tehran: Soroush.
- Apter, D.E. (2006). "Politics as Theatre: An Alternative View of the Rationalities of Power", In *Social Performanse: Symbolic Action Cultural Pragmatics and Ritual*, J. Alexander et al. (eds.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Allan, Terry (1983). *Timurid Herat*, Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
- Asher, Katherin (1991). Babur and the TimuridChaharBagh, use and meaning, *Environmental Design, Mughal Architecture, Pomp and Ceremonies*, 9th year, no. 11: 46-55.
- Behrens-Abouseif, Doris (2007). *Cairo of the Mamluks: A History of Architecture and Its Culture*, London: Tauris.
- Clifford, J. (1988) *The Predicament of Culture: Twentieth Century Ethnography, Literature and Art*, Cambridge, Harvard University Press.
- Celik, Z. (1986), *The Remaking of Istanbul: Portrait of an Ottoman City in the Nineteenth Century*, Seattle: University of Washington Press.
- Dovey, Kim (2002). *Framing Places, Mediating power in built form*, London and New York:Rutledge.

- Duncan, J.S. (1989). The Power of Place in Kandy, Sri Lanka: 1790± 1980, in: *The Power of Place: Bringing Together Geographical and Sociological Imaginations*, J.A. Agnew & J.S. Duncan (eds.), Boston:Unwin Hyman.
- Featherstone, M. (1993).Global and Local Cultures. In *Mapping The Futures: Local Cultures, Global Changes*, ed. by J. Bird et al. London and New York: Routledge.
- Gakenheimer, R. (1964).*Determinants of physical structure in the Peruvian town of the sixteenth century*, unpublished Ph.D. dissertation, Pennsylvania: University of Pennsylvania.
- Giddens, A. (1979).*Central Problems in Social Theory: Action, Structure and Contradictions in Social Analysis*, Berkeley: University of California Press.
- Haghighat bin, M. and et.al.(2012). Innovations in the Charbagh Axis of the Safavid Period.*International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, Vol. 22, No. 2:pp. 80-90.
- Hobsbawm, F. (1983). Inventing Traditions, In *The Invention of Tradition*, ed. By F. Hobsbawm& T. Ranger, Cambridge, Cambridge University Press.
- Jakson, P. & Penrose, J. (1993) Introduction: Placing Race and Nation, In *Construction of Race, Place and Nation*, Ed by P. Jakson& J. Penrose, London, UCL Press.
- Katuzian, Shahab. (1986). The Sense of Palace in Persian Gardens. In *Environmental Design, Rome*, 1 and 2:pp. 45-63.
- Kertzer, David I. (1988) *Ritual, Politics and Power*. New Haven: Yale University Press.
- King, A.D. (1976).*Colonial Urban Development: Culture, Social Power and Environment*, London: Rutledge&Kegan Paul.
- Penrose, J. (1993) Introduction: Reification in the Name of Change: The Impact of Nationalism on Social Constructions of Nation, In *Construction of Race, Place and Nation*, Ed by P. Jakson& J. Penrose, London, UCL Press.
- Shirazi, Bagher (1974). Isfahan, the Old: Isfahan the New,*Iranian Studies*, vol. 7, part II, no. 3-4: pp. 589.
- Tuan, Y.F. (1977).*Space and Place: The Perspective of Experience*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Vale, L.J. (1992).*Architecture, Power and National Identity*, New Haven: Yale University Press.
- Walcher, Heidi A. (1998). Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid Isfahan. *Middle Eastern Natural Environment, Lessons and Legacies*, Bulletin 103: pp. 330-345.
- Wilber, Donald N. (1979). The Timurid Court: live in gardens and tents, in *Iran*, vol. XVII: pp. 127-134.